



کمپین "پدران ما را آزاد کنید"

هما ارجمند
دبیر کودکان
مقدمند

۳۰ ژانویه ۲۰۰۶

www.childrenfirstnow.com

فراخوان کمپین "پدران ما را آزاد کنید" مصمم است تا صدای کودکان کارگران اعتصابی را به گوش جهانیان برساند. ما در قبال خشونت به کودکان هیچ گونه انعطافی نخواهیم داشت. و از همه میخواهیم رفتار غیر انسانی جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم کنند.

این کمپین تا آزادی همه کارگران اعتصابی و تحقق خواسته های آنان ادامه خواهد داشت.

از حق قرارداد دسته جمعی و آزادی رهبر سندیکای خود، منصور اصانلو در تاریخ ۲۸ ژانویه به پای اعتصاب عمومی رفتند. جمهوری اسلامی با حمله به اعتصابیون و دستگیری بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران و ضرب و شتم وحشیانه آنان و خانواده هایشان درصدد سرکوب این اعتصاب برآمد. کودکان بیش از همه در میان آسیب دیده اند. کودکان مقدمند با

خواهر ۲ ساله اش هم در این تهاجم بی رحمانه زخمی شد. مهدیه آنچه را که بر آنان در هنگام تهاجم ماموران رژیم به خانه آنها گذشت را در مصاحبه ای رادیویی توضیح داد. آنها صرفاً بخاطر درگیر بودن پدرشان در سازماندهی اعتصاب کتک خوردند. بیش از ۱۷ هزار کارگر شرکت واحد جهت تحقق خواستهایی چون افزایش دستمزد، آزادی فعالیت سندیکای و برخوردای

این خواست کودکانی است که پدران کارگیشان بخاطر اعتصاب ۲۸ ژانویه به بند کشیده شدند. "آنها نیمه شب، زمانی که ما در خواب بودیم به خانه ما هجوم آوردند و شروع کردند با دست و پا به کتک زدن ما. با پوتین هایشان ما را لگد زدند و خانه را درهم ریختند و سپس ما را با خود به زندان بردند." این صدای مهدیه سلیمی دختر ۱۲ ساله است.

دبیر کودکان
مقدمند
هما ارجمند

همکاران هفته
نامه
کریم شاه محمدی

سر دبیر: فرزاد ادیبی

00460704917494

toles@hotmail.com

مسئولین مرکز
بخش:
شهرلا خباززاده
سروش ابراهیمی

shahlaxabaz-zade@aol.com
soroshebi@yahoo.com

به یاد فاطمه شاهیندال، کنفرانس بین المللی، اسلام سیاسی و حقوق زنان 01-02-2006



مصاحبه با کریم شاه محمدی

ادامه در صفحه ۳

کنفرانس "به یاد فاطمه شاهیندل" اسلام و حقوق زنان

در استکهلم با موفقیت برگزار شد صفحه ۲

کمپین علیه سر باز گیری کودکان

صفحه ۴

جلیل بهروزی

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

ادامه از صفحه ۱

کنفرانس " به یاد فاطمه شاهیندل "

در تاریخ ۲۱ ژانویه کنفرانس اسلام و حقوق زنان با عنوان فاطمه شاهیندل را از یاد نبریم در شهر استکهلم و همزمان با فستیوال میخک سفید در یوتیوری که یک هفته برپا بود، برگزار شد. در این کنفرانس ضمن پرداختن به مسئله قتل‌های ناموسی در اروپا در مورد نقش و جایگاه اسلام سیاسی بعنوان جنبشی که به تقویت فرهنگی سنتی، ارتجاعی و ضد زن و ضد کودک در جامعه خدمت میکند بیشترین مباحث ارائه داده شد. همچنین در پرتو آن مسائلی چون مدارس اسلامی، حجاب کودکان و گسترش خشونت در خانواده های اسلامی بحث‌های با ارزشی مطرح گشت و در پایان قطعنامه ای بر علیه دخالت مذهب در آموزش و پرورش و زندگی زنان و کودکان به تصویب رسید. این کنفرانس که مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفت در مقیاس گسترده ای در مدیای سوندی و رسانه های ایرانی در استکهلم انعکاس یافت. در این کنفرانس که از طرف سازمان آزادی زن، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و کودکان مقدمند سازمان

داده شده بود، آذر ماجدی دبیر سازمان آزادی زن، مینا احدی مسئول کمپین علیه قتل‌های ناموسی و اعدام، مهین علیپور مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران-سوید، ویولت دالگرن مسئول کمیته زنان، خانه ها امن استکهلم، شهناز از فعالین جنبش زنان از ایران و نویسنده ادبیات کودکان، هما ارجمند دبیر کودکان مقدمند و مسئول کمپین علیه دادگاه‌های اسلامی در کانادا سخنرانی کردند. مریم کوشا از شورای مرکزی سازمان آزادی ریاست کنفرانس را بعهده داشت. همچنین در بخش پانل بحث، آمینه کاکابار مددکار اجتماعی و وحدت مددکار اجتماعی و سردبیر نشریه سوندی کودکان مقدمند، اینگر استارک از حزب چپ، ارهه همدناکا مسئول پروژه علیه خشونت‌های ناموسی، ایدا لیندکوئیست ژورنالیست و کیمیا پازوکی مسئول فدراسیون سراسری پناهندگان- سوید شرکت داشتند که در آن پانلیستها ضمن نقد سیاست ضد مهاجری و پناهندگی دولت سوئد و نقد مولتی کالچرالیسم به مسئله دخالت مذهب در

زندگی و کودکان پرداختند و راه حلهای خود را برای پایان دادن به قتل‌های ناموسی و خشونت علیه کودکان و زنان ارائه دادند. در روز ۲۰ ژانویه نیز در مجلس سوئد کنفرانس پانلی در رابطه با مبحث مدارس آزاد با شرکت بیش از ۳۰۰ نفر برپا بود که سخنرانان زیادی از گروه‌های مختلف از جمله هما ارجمند از طرف نهاد کودکان مقدمند در آن شرکت داشتند. او در سخنرانی خود گفت که این مایه شرم است که در ابتدای قرن بیست و یکم ما اینجا جمع شده ایم تا در مورد مجاز بودن و یا نبودن مدارس مذهبی صحبت میکنیم. مذهب و فرهنگ ارجحتر از کودکان و زنان شده اند چنان که هر روز در قلب سوئد ما شاهد قتل‌های ناموسی و خشونت آشکار به کودکان هستیم ولی کاری نمیکنیم. سخنرانی او با دست زدنهای مکرر توسط حاضرین مورد استقبال قرار گرفت. در این جلسه همچنین کریم شاه محمدی مسئول نهاد کودکان مقدمند در سوئد ضمن اینکه برگزاری کنفرانس روز شنبه ۲۱ ژانویه را به اطلاع حضار رساند سولاتی برای نمایندگان مجلس در زمینه رابطه اسلام سیاسی و قتل های ناموسی، رابطه حقوق

کودک و مذهب مطرح کرد. در طول دو روز ۲۰ و ۲۱ ژانویه با سخنرانان کنفرانس "فاطمه شاهیندل" را از یاد نبریم" دهها رسانه خبری مصاحبه داشتند، از جمله تلویزیون سراسری سوئد (اس تی وی)، در برنامه راپورت)، ستی روزنامه محلی استکهلم، فریبی لانس نروژ، رادیو سراسری سوئد p1 که بخشهایی از آنها پخش و درج شده اند.

کودکان مقدمند

۲۴ ژانویه

۲۰۰۶

ادامه مصحابه با
کریم شاه محمدی :

صورت خواهد گرفت خواه نا خواه متوجه دولتها و احزاب می شود دفاع از حقوق کودک، زنان، پناهندگان و غیره و به کرسی نشاندن آن در رابطه با دولت و جامعه و یا احزاب جامعه می توان توضیح داد بنا براین جامعه است که به طور عموم در قبال زندگی شهروندانش مسئول است و به طور اخص دولتها . وقتی از حقوق کودک صحبت به میان می آید دولت است که باید شرایطی را فراهم و تامین کند که عاری از خشونت و آزار به کودکان باشد پس به این

معنا این کاری را که ما دنبال می کنیم سیاسی است و از طرف دیگر فکوس این کنفرانس در مورد اسلام سیاسی و حقوق زنان است و این کنفرانس یعنی افشا کردن یک نیروی که ضد ترقی خواهی، ضد زن و ضد کودک است ما به عنوان یک نهاد از هر جنبش آزادی خواهانه که بتواند این نیروی سیاه را از زندگی بشریت و به طور اخص کودکان کنار زند حمایت می کنیم.

اسلام و اسلام سیاسی به طور اخص و همه مذاهب به طور عموم زن آزار و کودک آزار است طبیعی است که اگر می خواهیم یک شکل ماکزیمالیست و رادیکال و موثری داشته باشیم باید با این پدیده مبارزه کنیم به طور مثلا حجاب کودکان که جنبش اسلام سیاسی یکی از مدافعان اصلی آن است، مسئله مدارس اسلامی بعنوان مرکزی برای هویت تراشی مذهبی برای کودکان و مسئله قتل های ناموسی که باز جنبش اسلام سیاسی یکی از مشوقین آن است و غیره.... این یک رابطه نزدیکی است بین جنبش برابری زنان و حقوق کودکان به این اعتبار این جنبش همانقدر که مترقی، آزادیخواه و برابری خواه است میتواند شرایط را برای تحقق خواستهای کودکان تسهیل و تسریع کند.

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

ادامه مصاحبه با کریم شاه محمدی از صفحه ۱

کودکان مقدمند: نهاد
کودکان مقدمند به همراه
چند سازمان و کمپین
کنفرانس بین المللی را
سازمان دادند که در یوتو
بوری و استهکلم برگزار
شد. هرچند که هدف این
کنفرانس بطور تیتروار
در اطلاعیه آمده بود اما
می خواستم برای
خوانندگان ما توضیح
دهید اهداف اساسی از
برگزاری این کنفرانس
چی بود؟ بخصوص چرا
نام این کنفرانس را به یاد
فاطمه شاهیندال گذاشته
بودید؟

کریم شاه محمدی: قبل از
اینکه از اهداف این
کنفرانس شروع کنم
اجازه می خواهم از
قسمت دوم این سوال ,,
که چرا نام این کنفرانس
به یاد فاطمه شاهیندال
است,, شروع کنم و شما
را رجوع می دهم به
گوشه ای از سخنان
فاطمه و آشنائیم با او که
در سمیناری که در پاییز
سال 2001 در لوکال
سازمان نجات کوک
تدارک دیده شده بود و
خاطره ای که داشتم.

,, من به اینجا دعوت شده
ام که در مورد تجاربی
که از زندگی کسب کرده
ام و شرایط سختی که به
دختران مهاجر در سوئد
تحمل شده است بازگو

کنم که تجربه ای باشد
برای شماها که با هم راه
حلی پیدا کنیم من در یکی
از دهات کردستان ترکیه
به دنیا آمدم و تا هفت
سالگی آنجا زندگی کردم
به علت فشار اقتصادی با
خانواده ام به سوئد
مهاجرت کردیم در سن
کودکی همه چیز عادی
ولی هرچه سن بالاتر می
رفت شرط های سنتی ,
فرهنگی برایم می
گذاشتند حق نداشتم با
پسران سوئدی که هم
کلاس بودند صحبت کنم
و در سن نوجوانی می
خواستند من را به ترکیه
بفرستند تا با کسی که
خانواده ام می خواست
ازدواج کنم ولی من تسلیم
خواست آنها نشدم و این
را حق خودم می دانستم
که با کسی که خودم
دوستش دارم ازدواج کنم
بلاخره با پسر سوئدی
آشنا شدم و تا مدتی از
چشم خانواده ام پنهان ماند
تا روزی تصادفی پدرم
من را با دوست پسر دید
او با آشفتگی و عصبانیت
به ما حمله کرد و شروع
کرد به زدن من و دوست
پسر من هر طوری شد
از دست او فرار کردیم
و از آن به بعد من فراری
شدم و مجبور شدم مخفی
زندگی کنم خانواده من
تصمیم گرفتند که مرا هر
طوری شده بکشند برادر

کوچکم را مامور این کار
کردند که وقتی مرا کشت
او به سن قانونی نرسیده
است و در نتیجه جرمش
کمتر خواهد بود. به پلیس
مراجعه کردم آنها مسئله
را جدی نمی گرفتند
چونکه ناموس و قتلهای
ناموسی پدیده ای چندان
آشنایی برای آنها و
ادارات مربوطه نبود در
نتیجه تصمیم گرفتم که
این موضوع را به
مطبوعات بکشانم تا از
این طریق کاری بکنیم
وبرای همین من اینجا
آمده ام,, وقتی به
حرفهای فاطمه گوش می
دادم خیلی متاثر شدم
شماره تلفون را از او
گرفتم و همیشه در این
فکر بودم که باید کاری
کرد با او در تماس بودم
در مورد شرایط سخت
زندگیش صحبت می
کرد چیزی که کابوس
زندگیش شده بود این بود
که مادرش را هم از
دست داده است که او را
همیشه در آغوش داشت.
یک ما قبل از اینکه این
اتفاق شنیع به وقوع
بپیوندد و او را به قتل
برسانند به فاطمه زنگ
زدم و او را به میز گردی
که داشتیم که ,,علیه
خشونت به کودکان بود,,
دعوت کردم که در این
بحث و مجادله شرکت کند
او اظهار داشت که به
کنیا می خواهد برود که
رشته اش را پراکتیک
کند و همچنین با او
صحبت کردم که اگر
مناسب می دانید می
خواهم با خانواده ات

صحبت کنم که تاثیری
روی این افکار عقب
مانده بگذارم که از این
تهدیدات دست بر دارند
ولی فاطمه موافق نبود و
فکر نمی کرد چنین
تلاشی مثر ثمر خواهد
بود به هر حال وقتی که
عکس او را روی صفحه
تلوزیون دیدم که فاطمه
به قتل رسید برای مدت
طولانی خودم را نمی
بخشیدم و می گفتم ای
کاش با خانواده اش تماس
می گرفتم که شاید می
شد از چنین تراژدی
جلوگیری کرد. این بود
آن خاطره تلخ و
فراموش نشدنی که
داشتم .

به قسمت سوال اول بر
می گردم ,, اهداف اساسی
کنفرانس,, به نظرم
اهدافی که این کنفرانس
تعقیب می کند یکی از
شیوه های موثری است
که بتوان بر افکار عموم
تاثیر گذاشت و به این
وسیله بتوان قدمهای
برداشتن شود که بر
شرایط زندگي اسفناک
دخترانی که در محیطهای
اسلام زده و مردسالار به
وجود آمده و یا تحمیل
شده است تغیر پیدا کند.

فاطمه یکی از قربانیان
سنتها و فرهنگ عقب
مانده و ارتجاعی بود که
مذهب , اسلام و اسلام
سیاسی به طور مشخص
یکی از عوامل پر و پا
گرفتن این فرهنگ و
سنتها می باشد و این
کنفرانس کیفی خواستی
است بر علیه عاملین
اصلی چنین جنایتها یعنی

جنبشهای مذهبی و
دولتهای که با این جنبشها
مماشات می کنند و یا
اینکه با سیاستهای نسبی
فرهنگی تحت نام احترام
به فرهنگ چنین
جنبشهای را تقویت می
کنند بنابر این تلاش ما
این است که دست مذهب
از این محیطها باید کوتاه
گردد و از طرف دیگر
تئوری نسبیتهای فرهنگی را
بعنوان یک سیاست عمیقاً
راسیستی ترد و افشا کرد.

کودکان مقدمند: شما
بعنوان يك نهاد مدافع
حقوق كودك چه رابطه
ای بین پیشبرد اهداف
خود و برگزاري
کنفرانسهایی از این نوع
که اولاً سیاسی است و
ثانیاً مسئله زنان است و
ثالثاً به جایگاه و نقش
مذهب و فرهنگهای سنتی
و عقب مانده در روابط
انسانها و جامعه
برمیگردد میبیند که
ملزمتان میکند به پای
سازمان دادن این چنین
اجتماعاتی بروید؟

کریم شاه محمدی: سوالی
که مطرح کرده اید جالب
است نکاتی که روی آنها
انگشت گذاشتید مهم است
و جواب به این سوالات
بحث مفصلی می طلبد
ولی تلاش خواهم کرد که
اشاره ای هر چه کوتاه
به نکاتی که مطرح کرده
اید داشته باشم به سیاسی
بودن این کنفرانس اشاره
کرده اید به نظر من هر
اعتراض اجتماعی یا
بحث و جدلی که

ادامه در صفحه ۲

ممنوعیت فوری حجاب برای کودکان

کمپین علیه سربازگیری کودکان

جلیل بهروزی

۱۸ ژانویه ۲۰۰۶

اخیرا کمپین وسیعی تحت عنوان "در ممنوعیت سربازگیری کودکان" توسط "ائتلاف برای پایان دادن به سربازگیری کودکان" Coalition to Stop the Use of Child Soldiers

http://www.child-soldiers.org در امریکا به راه افتاده که میخواید با مسئله سربازگیری و بکارگیری کودکان در ارتش و جنگ مقابله کند. سازمانها بزرگی که این کمپین را به راه انداخته اند شامل دیدبان حقوق بشر Human Rights Watch و نگاه جهانی World Vision و مرکز اطلاعات نظامی Center for Defense Information و امنیستی انترناسیونال امریکا میباشد.

این کمپین جدا از يك مجموعه فعالیتهای وسیع جهت آگاه کردن مردم (از جمله راه انداختن طومار) و تشویق نهادها بین المللی برای پایان دادن به سربازگیری کودکان با تهیه يك لایحه پیشنهادی به سنای امریکا میخواید دولت امریکا را ملزم کند که به هیچ وجه به کشورهای که از کودکان سرباز میگیرند کمک مالی و نظامی نکند. به ادعای این کمپین از ۲۶ کشوری که از کودکان در ارتش و نیروهای مسلح و یا میلیشا استفاده میکنند ۲۲ کشور از دولت امریکا به انحاء گوناگون کمک نظامی میگیرند. این کمپین با کمک "مرکز اطلاعات نظامی" آمار و ارقام دقیقی از کشورها و مقدار کمکهایی که ارتش امریکا در این رابطه میکند ارائه میدهد.

به این اعتبار ائتلاف فوق در ممنوعیت سربازگیری کودکان يك حرکت انسانی و در دفاع از کودکان بوده و قابل حمایت است. آنچه که در فراخوانها و طومار این کمپین مورد ایراد است طرح ممنوعیت سربازگیری اجباری است. شرطی کردن این خواست راه را برای توجیه به خدمت گرفتن کودکان در نیروهای مسلح باز میگذارد. در حالی که سرباز شدن کودکان چه اختیاری و چه به اجبار تغییری در ماهیت قضیه نمیدهد. بطور نمونه امریکا در سال ۱۰۰۰۰ جوان ۱۷ ساله که اختیارا به ارتش پیوسته اند را به خدمت میگیرد و در سطح دنیا ۶۰ کشور کودکان ۱۶ تا ۱۷ ساله را بطور قانونی در ارتش سازمان میدهند. در حالی که همه اینها از جنبه انسانی و حقوق کودکان باید ممنوع گردند.

در جهان بیش از سیصد هزار کودک را به خدمت در ارتش و نیروهای مسلح درآورده اند. از این کودکان در سطوح مختلف از جنگیدن در جلوی جبهه و جنگهای چریکی تا بیگاری و حمالی در ارتش و بهره جوی جنسی و یا در امور جاسوسی، مین یابی و عملیات انتحاری استفاده میکنند. این توحش است. خشونت آشکار و سازمان یافته با سلاح زور یعنی اسلحه است. هیچ نوع توجیه سیاسی و ایدئولوژیک نمیتواند چهره کریمه این عمل را بپوشاند. در اوگاندا خانواده های کودکان خاطی، یعنی کودکانی که از اوامر فرماندهان نظامی سرپیچی و یا از پایگاهها فرار میکنند را به قتل میرسند تا به دیگر کودکان درس عبرت بدهند. همچنین در سرلیون، کلمبیا، آنگولا، اندونزی و کلا در ۲۰ مورد جنگ داخلی و تخاصمات نظامی کودکان را گوشت دم توپ کرده و قربانی میکنند. این فاجعه ای است که در دنیا کمتر از آن پرده برگرفته اند چرا که دولتها، قدرتها و در راس آنها دولت امریکا دستا نشان بدان آوده است.

کودکان بخاطر ناتوانی جسمی و روانی در دفاع از خود و دقیقا بخاطر کودک بودنشان سربازان بسیار مطیعی هستند و یا راحتتر مطیع میگردند. بخشی زیادی از آنان بخاطر فقر، عدم برخورداری از امکانات تحصیلی، استیصال و محرومیت اجتماعی جذب ارتش و گروههای مسلح میشوند. در جریان جنگهای داخلی و قومی که شیرازه جامعه از هم میپاشد و تنفر قومی و انتقام گیری رواج داده میشود، بیشترین استفاده را از کودکان در نظامی گری میکنند. در ضمن کودکان ارزانترین سربازان هستند و به خاطر عدم بلوغ سنی و کم تجربگی بیشترین آسیب و کشته را در جنگها میدهند.

به این وضعیت باید پایان داد. هیچ کودکی و یا فرد پابین ۱۸ سالی نباید به خدمت ارتش و نیروهای مسلح درآید. چه به اختیار و چه به اجبار. نه در شرایط صلح و نه در شرایط جنگ.



کودکان سرباز، کنگو و

آموزش نظامی کودکان ۱۱ تا ۱۳ ساله در چین

مدارس اسلامی باید ممنوع شود، کودکان مذهب ندارند